

خوشونت خانگی، مهم‌ترین آسیب حوزه زنان

خشونت خانگی یکی از بحران‌های جدی اجتماعی و حقوقی است که پیامدهای عمیقی برای جامعه دارد. چندی پیش یکی از مسئولان سازمان بهزیستی گفته بود: «بیشترین تماس‌ها با خط ۱۲۳ اورژانس اجتماعی در زمینه همسرآزاری و اختلافات زناشویی است که نسبت به بقیه آسیب‌ها رتبه بالایی دارد» درباره وضعیت خشونت علیه همسران که غالباً شامل زنان می‌شود طی سال‌های اخیر آمار گوناگونی منتشر شده است، از جمله اواخر تابستان ۱۴۰۰ مرکز آمار ایران گزارش داد ۹۶ درصد از مجموع ۸۰ هزار و ۱۸۷ مورد معاینه مدعیان همسرآزاری جسمی پزشکی قانونی طی سال ۹۹ به زنان مدعی همسرآزاری جسمی معطوف می‌شود و سهم مردان در این بین ۴ درصد است. البته خشونت علیه زنان مسأله‌ای جهانی است که به دلایل متعدد اجتماعی، روانی، فرهنگی و... اتفاق می‌افتد. طبق آماري که OECD (سازمان توسعه و همکاری اقتصادی) منتشر کرده کشورهای ترکیه، آمریکا و نیوزلند در صدر رتبه‌بندی آمار خشونت علیه زنان هستند. دکتر زینب نصیری، مددکار اجتماعی و مشاور امور اجتماعی وزیر بهداشت با بیان اینکه بهتر است زنان را قربانیان شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی بدانیم، به «ایران» می‌گوید: «موضوعاتی که حالا به عنوان آسیب اجتماعی مطرح می‌شود، در واقع دلایل کلانی دارد که زنان را تبدیل به قربانیانی در جامعه می‌کند. متأسفانه در ایران یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث آسیب‌دیدگی زنان می‌شود خشونت‌های خانگی است. زنان گاهی در خانه با انواع آزارهای جنسی، جسمی، روانی و حتی اقتصادی روبه‌رو هستند که مهم‌ترین آنها آسیب‌های روانی است. بسیاری از مواقع خشونت جسمی رفع می‌شود و آثار آن از بین

می‌رود اما خشونت روانی باقی می‌ماند و به آسیب‌های دیگری تبدیل می‌شود. بنابراین ممکن است گاهی خشونت را داشته باشیم و بعد با انواع آسیب‌های دیگر مثل فرار دختران یا اعتیاد مواجه شویم.» اما آسیب‌دیدگی ناشی از مشکلات سلامت باروری و مشکلاتی که برای زنان به واسطه عدم دسترسی به خدمات بهداشتی یا تبعیض و نابرابری در استفاده از خدمات وجود دارد، مورد دیگری است که این مددکار به آن اشاره می‌کند و می‌گوید: «مرگ و میر ناشی از زایمان مختص زنان است یا مشکلاتی که ناشی از برخی سیاست‌گذاری‌ها برای زنان است و متأسفانه در این سیاست‌گذاری‌ها نیازهای واقعی زنان دیده نمی‌شود از جمله آسیب‌های زنان به شمار می‌رود.»

آسیب‌های فقرزانه

رشد جمعیت زنان سرپرست خانوار در دهه‌های اخیر، طیف وسیعی از مسائل و مشکلات در موضوعات اقتصادی، اجتماعی، سلامت و مهارتی را در پی داشته است. بسیاری از خانوارهای نیازمند با سرپرست زن، به دلیل فقدان سرپرست، فوت، از کارافتادگی، طلاق، معلولیت و بیماری سرپرست یا استیصال و درماندگی مورد حمایت دستگاه‌ها، نهادهای و مؤسسات حمایتی قرار می‌گیرند و زن در خانواده مسئولیت تأمین هزینه‌های خانوار را بر عهده می‌گیرد. بر اساس آخرین داده‌های سرشماری مربوط به سال ۹۵ تعداد کل خانوارهای زن سرپرست در کشور، ۳ میلیون و ۶۵ هزار خانوار بوده که با توجه به گذشت ۸ سال از آخرین سرشماری (۱۳۹۵) تاکنون به طور مسلم تعداد زنان سرپرست خانوار به واسطه مرگ‌ومیرهای ناشی از تصادفات شوهان‌شان، مرگ‌ومیرهای ناشی از بیماری‌ها، کرونا، بیکاری، طلاق و... افزایش

یافته است. نصیری معتقد است: «یکی از موضوعاتی که می‌تواند برای زنان منجر به آسیب شود و شرایط پیچیده‌تری را برای آنها در جامعه ایجاد کند، فقر زنان است. به هر حال زنان به نسبت مردان معمولاً محدودیت بیشتری در دسترسی به فرصت‌های شغلی دارند. نه فقط در کشور ما بلکه در کل جهان، زنان به خاطر تبعیض و نابرابری‌هایی که وجود دارد، دستمزدهای پایین‌تری نسبت به مردان دریافت می‌کنند. به همین دلیل در کشورمان فقرزنان در میان زنان سرپرست خانوار خود را جدی‌تر نشان می‌دهد و چالش‌های بیشتری را ایجاد می‌کند و این لزوم برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های دقیق و منسجمی را می‌طلبد.»



تغییر شرایط زنان با همکاری همه جانبه دولت و نهادهای مدنی

به فرصت‌های شغلی برابر، با مشکلات مالی مواجه‌اند. این نابرابری اقتصادی می‌تواند به وابستگی مالی و آسیب‌پذیری بیشتر در زنان منجر شود. ناگفته نماند که آسیب‌های اجتماعی زنان در جامعه ایران ریشه در عوامل مختلفی دارد. به‌طور کلی در جوامعی که در ساختارهای فرهنگی به مردان برتری می‌دهند و زنان را در موقعیت‌های ضعیف‌تری قرار می‌دهند، یکی از عوامل اصلی ایجاد این آسیب‌هاست. سیستم‌های آموزشی نیز بی‌تأثیر نیستند، در جوامعی که نظام آموزشی زنان را از فرصت‌های برابر محروم می‌کند، نقش بسزایی در شکل‌گیری آسیب‌ها دارد. اگر بخواهیم از منظر حقوقی واکاوی کنیم درمی‌یابیم که قوانین ناکافی یا اجرا نشدن صحیح قوانین مربوط به حقوق زنان همانند

آسیب‌های اجتماعی زنان یکی از چالش‌های اساسی در جامعه ایران است. این آسیب‌ها نه تنها بر زندگی فردی زنان تأثیر گذاشته، بلکه بر ساختار اجتماعی و اقتصادی کشور نیز سایه افکنده است. یکی از بارزترین آسیب‌های اجتماعی که زنان در جامعه ایران با آن مواجه‌اند خشونت‌های خانگی است. این پدیده ریشه در نابرابری‌های جنسیتی و فرهنگ مردسالارانه دارد. خشونت علیه زنان در جوامع در حال‌گذار از سنتی به مدرنیته پررنگ‌تر است و معمولاً به علت زمینه‌های عرفی، سنتی و خلأهای قانونی برخورد با نگاه خشونت‌ورزانه مردان را با مشکل جدی مواجه کرده است. بسیاری از زنان به دلیل نداشتن دسترسی

دکتر مصطفی آب‌روشن
جامعه‌شناس